

اسلام دین رحمت، محبت و برادری

اسلام دین رحمت، محبت و برادری

عفاف الحکیم

خداوند می‌فرماید : «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا - وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ * وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا - وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاء فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا» (سوره آل عمران - 102 و 103) (ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خدا آن گونه که حق پروا کردن از اوست پروا کنید و زینهار جز مسلمان نمیرید * و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود یاد کنید آنگاه که دشمنان [یکدیگر] بودید پس میان دلهای شما الفت انداخت تا به لطف او برادران هم شدید و بر کنار پرتگاه آتش بودید که شما را از آن رها نید این گونه خداوند نشانهای خود را برای شما روشن می‌کند باشد که شما راه یابید.)

ایمان بزرگترین خاستگاه در روابط بشری است زیرا مردم را از کوران دشمنی و کین توزی به فراخنای رحمت و محبت و برادری، رهنمون می‌گردد.

به همین دلیل است که خداوند تبارک و تعالی طی آیات کریمه این نعمت و این ارزش‌های والای معنوی که زندگی اجتماعی مؤمنان را دگرگون ساخته، به ایشان خاطرنشان می‌سازد و یادآورشان می‌شود که تحولی که آنرا از سر می‌گذرانند بطور اتفاقی و در خلاء صورت نگرفته و حاصل مستقیم داده‌های ایمانی - تمدنی به عنوان آغازگر انسان جدیدی است که شیفته ارزش‌ها و چشم به راه چشم‌اندازهای دانش و معرفت و کوشنده راه تقوای الهی و رفتارهای ایده‌آل و ژرفای حس انسانی می‌باشد.

این انسانی است که تعصب‌ها و نژادپرستی‌ها را پشت‌سر گذاشته و بر رسوبات جاهلیت - به رغم سترگی آنها - شوریده و با برگرفتن سلاح ارزش‌های ربانی - که با قرارگرفتن در صدر اولویت‌های پیامبر خدا

(صلي‌ا‌ عليه و آله وسلم) و اهل بيت (عليهم‌السلام) و رهنمود‌هاي اجتماعي ايشان به عنوان راه ايده‌آل بني‌ همبسته اجتماعي و برقراري جامعه‌اي بهم پيوسته يك دل و متحد، جامعه‌اي با پوشش همدلي و عدالت و خردمندي و برادري ميان يكايك افراد آن بر عقل‌ها و دل‌ها چيره گشت - حركت خود را آغاز کرده است.

جامعه‌اي با اين كيفيت و چشم‌اندازها، ناگزير بايد برخوردار از پيوندهايي باشد كه ميان خود و خدا و رسالت خود از يك سو و ميان خود و ديگر افراد جامعه از سوي ديگر، ارتباط برقرار سازد. از مهمترين روابط تربيتي و معنوي كه اين جامعه پس از ايمان به خداوند متعال و دين، نياز دارد گسترش ارزش‌هاي مهرورزي و محبت و برادري بمثابه شالوده مستحكم و قابل اتكايي است كه هر بني‌اي به آن استواري مي‌يابد زيرا ارزش‌هاي مزبور از ديدگاه اسلامي همچون روح در كالبي است كه هرگز نمي‌تواند از آن بي‌نياز باشد چون وقتي راه خود را باز مي‌كنند تا به ميان رگ و ريشه جامعه جاري شوند، چنان در عمق و جان بخش‌هاي مختلف فرهنگي، اجتماعي، اقتصادي، سياسي و ... رسوخ پيدا مي‌كنند كه نمي‌توان ميزان انعكاس و پيامدهاي مثبت آنها را برآورد كرد.

سيره شريف نبوي و تحكيم ارزش‌ها :

سيره شريف نبوي همچون ستون فقرات رسالتي تلقي مي‌شود كه پيامبرخدا(ص) آنرا تقديم تمامي جهان نيان كرد ؛ سيره نبوي ابزار مؤثر و كارآمدي براي ارايه الگو، نمونه و سرمشق از صاحب اين رسالت بزرگ (ص) و معياري در زندگي مسلمانان بشمار مي‌رود. همچنانكه با شاقول آن مي‌شود متعهدان و پاي‌بندان به اين رسالت را شناخت. چراغ روشني در سرتاسر زندگي بشريت و آيينه تمام عياري براي همه جهان و بازتابنده چهره و روح و گفته و كرده و اخلاق و ادب انسان بشمار مي‌رود. كسي كه پيگير حوادث و جريانات سيره نبوي در مكه مكرمه يا مدينه منوره باشد و كوشش‌هاي موفقيت‌آميزي كه پيامبر خدا (صلي‌ا‌ عليه و آله وسلم) در اصلاح و شكل‌دهي و بني‌اي جامعه مسلمان و دولت اسلامي بعمل آورد مورد بررسي و مطالعه قرار دهد، درخواهد يافت كه از برجسته‌ترين گام‌هايي كه به وسيله آنحضرت (ص) برداشته شد، تحكيم اصول و قواعد سامان‌بخش رفتارهاي انساني در پرتو آموزه‌هاي الهي مربوط به نظم‌دهي به زندگي انسان و مشخص ساختن روابط وي با ديگران در راستاي تحقق اهداف وجودي او در اين جهان به بهترين و كاملترين شكل است.

از اينجاست كه به عظمت و اهميت داشته‌هاي خود پي مي‌بريم ؛ اخلاق مسلمان و آداب زندگي او، آدابي ربّاني و الهي است كه سرچشمه آنها نيز وحى است لذا همواره پابرجا و والا هستند و فراخور همه انسانها به رغم اختلاف در نژاد و جنس و زمان و مكان مي‌باشند ؛ اين اخلاق، اخلاقي عملي است كه هدف از آنها انطباق واقعي و بيان راههاي برخورداري و آراستگي به آنهاست. ريشه پاي‌بندي به آنها نيز در شعور و احساس انسان در نظارت و مراقبت الهي از اوست.

همچنانکه اصول مربوط به آنها نیز عقل سلیم را قانع نمی‌کنند و دل‌ها و وجدان‌ها را خشنود می‌دارند زیرا تنها براساس ظاهر کرده‌ها و اعمال داور نمی‌کنند و نیّت‌های درونی را نیز در نظر نمی‌گیرند. روابط متعلق به اخلاق اسلامی همه کستره‌های زندگی را دربرمی‌گیرند زیرا از ویژگی همه جانبگی برخوردارند و زندگی آدمی از گهواره تا گور را در همه عرصه‌های داخلی، خارجی بشری شامل می‌شوند؛ اندیشه اخلاق دارد، باور اخلاق دارد، دل اخلاق دارد، بدن نیز اخلاق دارد، این اخلاق نیز نه مجرد و بدور از هرگونه تفسیر و توضیحی، که جنبه علت و معلولی دارد؛ اخلاقی میانه، متعادل و همه‌جانبه و دربرگیرنده دنیا و آخرت، روح و ماده، عقل و دل و حق و باطل است.

لذاست که می‌بینیم اخلاق و برخوردهای مسلمانان، نقش بسزایی در تشرّف بسیاری از افراد به دین اسلام دارد.

کسی که به سیره و زندگی پیامبر اکرم (ص) نظری افکند می‌بیند که آنحضرت (ص) با توان و مهارت‌های اخلاقی بالایی با مردم برخورد می‌کرد و توانست دل پیرامونیان خویش و بلکه همه بشریت را تسخیر کند و نزدیکی و محبّت آنان را بخود جلب نماید. از ایشان (ص) نقل است که فرمود: «دوست داشتنی‌ترین و نزدیکترین شما به من در روز قیامت خوش‌اخلاق‌ترین شماست.»

و نیز فرمود (ص): «مؤمنانی از ایمان کامل‌تر برخوردارند که اخلاق بهتری داشته باشند.»

و نیز فرمود: «در ترازوی [اعمال آدمی] چیزی از حُسن خلق سنگین‌تر نیست.»

جامعه اولیه اسلامی با اصول و ارزش‌ها و اخلاق والایی که همدلی میان همگان و از میان برداشتن کین‌توزی‌ها و نیز گسترش ارزش‌های محبت و مهربانی و همدلی و دوستی و برادری میان ایشان را در پی داشت، به اوج پیروزی و عظمت دست یافت.

اسلام شدیدا در پی آنست که محبت و برادری میان همه مردم، میان تمامی خلق‌ها با یکدیگر گسترش یابد و تفاوت در نژاد و رنگ و زبان و وطن و طبقات و ... آنها را از یکدیگر جدا نسازد. به رغم تفاوت در برخورداری از ثروت و مقام و موقعیت و برتری‌های خدادادی هرکدام بر دیگری، مجالی برای درگیری‌ها و نزاع‌ها و کین‌توزی‌ها باقی نماند.

زمانی که پیامبر اکرم (صلی‌الله علیه و آله وسلم) به مدینه مهاجرت کرد اولین اقدام او ایجاد همدلی با محوریت اطاعت از خدا بود چه ابتدا میان [افراد دو قبیله] اوس و خزرج و در پی جنگ‌های سختی که میان آنها درگرفته بود، الفت و دوستی برقرار کرد. محبت ایشان نسبت به یکدیگر افزون شد و دشمنی‌ها کنار گذاشته شد و آنها با حضور اسلام، تبدیل به برادران دوستدار و همدل و یاور و هم‌رمز یکدیگر گردیدند. خداوند متعال می‌فرماید: «وَإِذْ كُتِبَ الْوَاوُءُ نِعْمَةً لِلَّهِ عَلَيْهِ كُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بَرَرَةً مَّتَّهِ إِخْوَانًا» (سوره آل عمران - 103) (و نعمت خدا را بر خود یاد کنید، آنگاه که دشمنان [یکدیگر] بودید پس میان دلهای شما الفت

انداخت تا به لطف او برادران هم شدید.)

این نعمت کاملی شد که آنحضرت (ص) پیشکش مؤمنان کرد و فرمود : «ای گروه انصار! مگر شما را گمراه ندیدم که خداوند شما را به وسیله من هدایت کرد ؛ شما پراکنده بودید و خداوند به وسیله من شما را گردهم آورد.»

به همین خاطر است که می‌گویند اولین معجزه‌هایی که فراخوان به اسلام از همان ابتدا آنرا تجربه کرد، همین تحول و جذب شدن آنها در جامعه‌ای اسیر خشونت و درگیری‌ها و نبردهای فرسایشی بود و رسالت پیامبر رحمت موفق شد در مدت زمان اندکی، صلح و امنیت را در این منطقه آشفته و پراکنده، برقرار سازد.

اصول و ارزش‌هایی که رسول خدا (صلی‌الله علیه و آله وسلم) از آنها به عنوان قواعد سامان بخش رفتارهای انسانی سخن گفت و بدانها فراخواند، اصول و ارزش‌هایی است که جامعه‌ها را و خلق و ملت‌ها را می‌سازند ؛ آنها ارزش‌ها و اصولی هستند که اگر جوامع معاصر ما بدانها پای‌بند باشند و طبق آنها رفتار کنند همه عقب‌ماندگی‌ها و درگیری‌ها و خواری‌ها و پراکندگی‌های این جوامع از میان می‌رود و از آنجا ارزش‌های رحمت و مودّت و دوستی و مهربانی و برادری و دیگر اخلاق و فضایل تمایزبخش مسلمانان، بر آنها حکمفرما می‌گردد ؛ اینک ما به قصد عمومیت بخشیدن به روح الفت و همدلی میان بخش‌های مختلف امت، نظری به سه ارزشی می‌اندازیم که در شکل‌گیری و پیدایش "خیرامة اخرجت للناس" (بهترین امتی که برای مردم پدید آمد) سهم بسزایی داشتند.

یکم : اسلام دین بخشش و مهربانی :

اقتضای صفت بخشش و مهربانی، برخوردار ساختن مردم از منافع و مصلحت‌ها حتی در صورت عدم تمایل خودشان است. واژه رحمت در قرآن کریم به معانی بسیاری وارد شده است از جمله به معنای الفت و محبت میان اهل ایمان چنانکه در این سخن الهی مطرح شده است : «وَجَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً» (سوره الحديد - 27) (و در دلهای کسانی که از او پیروی کردند رأفت و رحمت نهادیم.) این عاطفه انسانی که خداوند متعال آنرا در انسان بودیعه نهاد و از آن حمایت کرد و با آموزه‌های پیامبران به رشد و پرورش آن پرداخت تا به عنوان قاعده و اساس روابط افراد و گروهها با یکدیگر درآید، در واقع شالوده عقیده را تشکیل می‌دهد زیرا هم قاعده میان خدا و انسان و هم اساس رابطه میان امت و پیامبر (ص) بشمار می‌رود همچنانکه شالوده جامعه انسانی مبتنی بر این قاعده است و نتیجتاً از جمله صفات پیامبر رحمت و هدایت شمرده می‌شود. خداوند متعال در توصیف پیامبر خدا (ص) و مؤمنانی که همراهش بودند می‌گوید : «مُحَمَّدٌ رَّسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (سوره الفتح - 29) (محمد [ص] پیامبر خداست و کسانی که با اویند بر کافران سختگیر [و] با همدیگر مهربانند...)

پیامبر خدا (ص) بطورکلی با مردم و بویژه با مؤمنان، بسیار مهربان بود لذا خداوند متعال چنین وصفی

از وي بعمل آورده، او را مورد ستايش قرار مي‌دهد و فضايش را برمي‌شمارد : «فَدِيمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَإِنْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ» (سوره آل عمران - 159) (پس به [برکت] رحمت الهی با آنان نرمخو [و پرمهر] شدی و اگر تندخو و سختدل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می‌شدند.) و در سوره توبه می‌فرماید : «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ» (سوره التوبه - 128) (قطعاً برای شما پیامبری از خودتان آمد که بر او دشوار است [شما در رنج بیفتید به [هدایت] شما حریص و نسبت به مؤمنان دلسوز مهربان است.)

عناصر اصلي رحمت و مهرباني :

اسلام پرشکوه‌ترین آیین‌های منجر به دوستي و همدلي و محبت را در جهت گسترش مهمترين و ارزنده‌ترین ابزارهای پیوند مردم با یکدیگر يعني : مهرباني و محبت و برادري، تشریع کرده است. از امام جعفر صادق (علیه‌السلام) روایت شده که فرمود : «از خدای بترسید و در راه خدا برادران دوستدار و مهربان و نیکوي یکدیگر باشید و با همدیگر رفت و آمد و دیدار داشته باشید و ما را یاد کنید و مسایل ما را زنده نگاه دارید.»

بنابراین انسان باید در جهت تحکیم و تقویت عناصر محبت و رحمت به عنوان شالوده و اساس هرچیز و نیکی در خود بکوشد زیرا پروراندن عشق و محبت به خدا و به پیامبر و به اولیا و اهل بیت پیامبر در دل، یکی از اصول آیین اسلام است و بدون آن انسان به موجود تندخو و سختدلي تبدیل می‌شود که قادر به کنار آمدن با خود و دیگران نیست و مردم از پیرامون وي می‌رومند. و از آنرو که اگر این رحمت و مهر به درستی پرورانده شود، انگ خود را بر همه روابط و پیوندهای انسان با آفریدگار و آفریده‌ها و حتی با حیوانات و جمادات، بجای می‌گذارد.

از اینجاست که با نگاهی گذرا به آموزه‌های دینی و متون اسلامی به میزان توجه و پافشاري اسلام نسبت به پاکی و صفای درونی مؤمن در جهت امکان برعهده‌گیری مسؤولیت‌های سترگ و ایفای نقش مهم خود در این زندگی، پی می‌بریم زیرا درگیری‌های درونی مستلزم آلودگی جان به کینه و نفرت از دیگر افراد جامعه است و همه می‌دانیم که کینه‌ها و کین‌ورزی‌ها چه آسیبی به پاکی و صفای دلها وارد می‌آورد ؛ کین‌توزی بیماری‌کننده‌ای است که جان را می‌خورد و آنرا تیره و تار می‌سازد لذاست که مولای متقیان حضرت علي (علیه‌السلام) می‌فرماید : «کین‌توزی پست‌ترین عیب‌هاست.» و در حدیث دیگری، آنحضرت (ص) کسی را که خداوند متعال از بیماری کین‌توزی رها نیده است مژده زندگی آسوده و آرامی در اندیشه و دل می‌دهد و می‌فرماید : «هرکس کینه‌ها را بدور ریزد دل و مغز خود را آسوده است.»

لذا باید به حال کسانی که تنها به دلیل اختلاف نظر یا تفاوت دیدگاه، دل‌های خود را سرشار از کینه و نفرت از دیگران می‌سازند، افسوس و اندوه خورد. مؤمن همواره از ژرفای دل از خدای خود می‌خواهد تا

دل او را از کینه و دشمنی نسبت به مؤمنان رهایی بخشد. خداوند متعال می‌گوید : «رَبِّدِّينَا اَعْفِرْ لَدِّنَا وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبِّدِّينَا اِنَّكَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ» (سوره الحشر - 10) (پروردگارا بر ما و بر آن برادرانمان که در ایمان آوردن بر ما پیشی گرفتند بخشای و در دل‌هایمان نسبت به کسانی که ایمان آورده‌اند [هیچ گونه] کینه‌ای مگذار پروردگارا راستی که تو رئوف و مهربانی).

تردیدی نیست که دشمنی‌ها، دین آدمی را تضعیف و کارآمدی وی را می‌کاهند و تمام فکر و ذکر او را به تردید و بی‌اعتمادی به دیگران مشغول می‌سازند ؛ وقتی انسان درگیر خصومت و جنگ با دیگران باشد در برابر دو گزینه قرار می‌گیرد : یا باید کوتاه بیاید و شکست را بپذیرد و یا بیشترین زیان را به طرف دیگر وارد آورد که هر دوی این گزینه‌ها برای انسان مؤمن مشکل‌ساز است.

از اینجاست که به میزان تأکید و پافشاری پیامبر اکرم (ص) نسبت به رحمت و مهرورزی با دیگران پی‌می‌بریم، چه فرموده است : «سوگند به آنکس که جانم بدست اوست تنها مهربانان به بهشت راه می‌یابند.» زیرا انسان مهربان، کسی است که با خویشن خویش از در آشتی درآمده و به ثبات و پایداری در زندگی رسیده و در محیط و با همسایگان و خویشان و پدر و مادر و اعضای خانواده‌اش در نوعی آشتی و مصالحه زندگی می‌کند.

خداوند متعال در سوره الروم می‌گوید : «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْتَفِكُمْ» (سوره الروم 21) (و از نشانه‌های او اینکه از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدانها آرام گیرید و میانتان دوستی و رحمت نهاد آری در این [نعمت] برای مردمی که مدّاندیشند قطعاً نشانه‌هایی است.)

دوم : اسلام دین محبت و مهرورزی :

هیچ دینی همچون اسلام، نویدبخش سعادت پیروان خود نیست ؛ از نظر اجتماعی، عنوان محبت را مطرح می‌سازد و آنرا بمثابه کنه دین و حقیقت و جوهر آن معرفی می‌کند. عشق و دوستی در راه خدا و نفرت و دشمنی برای خدا، بیانگر توحید و نفی شرک از شالوده‌ها و اصول این دین بشمار می‌رود. لذاست که روایاتی که دوستی و عشق را خود دین معرفی می‌کنند به فراوانی مطرح شده‌اند ؛ در این راستا از امام محمدباقر (علیه السلام) روایت شده که فرمود : «مگر دین جز محبت است؟» و خداوند متعال می‌فرماید : «حَبِّبْ بَلِّغْ لَكُمْ الْإِيمَانَ وَزَيِّنْ لَهُ فِي قُلُوبِكُمْ» (سوره الحجرات - 7) (...[خدا] ایمان را برای شما دوست‌داشتنی گردانید و آن را در دل‌های شما بیاراست.) و نیز می‌فرماید : «إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ» (سوره آل‌عمران - 31) (اگر خدا را دوست دارید از من پیروی کنید تا خدا دوستتان بدارد.)

بنابراین دوستی برای خداوند متعال پایه و محور زندگی انسان مسلمان و شالوده همه محبت‌ها و دوستی‌های دیگر است لذا حتما باید از هر دوستی و محبت دیگری در زندگی وی، شدیدتر و بیشتر باشد. این دوستی فراتر از همه دوستی‌ها و در عین حال سرچشمه همه دوستی‌هاست. دوستی و محبتی است که عاطفه آدمی را شکل می‌بخشد و برای خدا و در راه خدا به آنکس که خدایش فرمان می‌دهد و دوستی‌اش ادامه دوستی و عشق به خداست، دوستی و محبت می‌ورزد و با دشمنی و خصومت نسبت به دشمنان خدا قرین می‌شود زیرا دوستی با خداوند متعال هرگز با دوستی با دشمنان خدا، یکجا گردهم نمی‌آید؛ هواداری و دوستی خداوند متعال با هواداری از دشمنان خدا سنجی‌تی ندارد و محبت انسان به خدا و در راه خدا نیز نمی‌تواند برکنار از دشمنی و خصومت و برخوردی منفی با دشمنان خدا باشد...: «قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِينُ تَرْضَوْنَهَا أُحِبِّ إِلَيْكُمْ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيََ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ» (سوره التوبه - 24) (بگو اگر پدران و پسران و برادران و زنان و خاندان شما و اموالی که گرد آورده‌اید و تجارتی که از کسادهای شما دارید و سراهایی را که خوش می‌دارید نزد شما از خدا و پیامبرش و جهاد در راه وی دوست‌داشتنی‌تر است پس منتظر باشید تا خدا فرمانش را [به اجرا در] آورد و خداوند گروه فاسقان را راهنمایی نمی‌کند).

بدینگونه است که محبت برای خدا باید فراتر از محبت آدمی به فرزندان و پدر و مادر و کار و کاسبی‌اش باشد: «وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ» (سوره البقره - 165) (ولی کسانی که ایمان آورده‌اند به خدا محبت بیشتری دارند).

این محبت همچون اطاعت و فرمانبری، قاطع، مطلق و بی هیچ قید و شرط، مؤثر و بنیادی است. خداوند متعال می‌گوید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنكُمْ» (سوره النساء - 59) (ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [نیز] اطاعت کنید).

بدین ترتیب اطاعت از اولیای امر پس از رسول خدا در پیوند با اطاعت از خدا و رسول قرار می‌گیرد و حکم همان اطاعتی را دارد که برای خدا و رسول بر مؤمنان فریضه شده و پس از رسول خدا نیز به اولیای امر انتقال می‌یابد.

بنابراین محبت به رسول خدا (ص) و اولیای امر پس از آنحضرت (ص)، در واقع شاخه‌ای از محبت به خداوند متعال است. از رسول خدا (صلی‌الله‌علیه و آله وسلم) روایت شده که فرموده است: «سوگند به آنکه جانم به دست اوست کسی از شما ایمان نیاورده مگر مرا بیش از پدر و مادر و فرزندان دوست داشته باشد.» در ادامه محبت به رسول خدا (ص)، محبت به اهل بیت (ع) او و سپس اولیای امر قرار

می‌گیرد.

برترین سرچشمه‌های محبت در دل آدمی، محبت به خدا و برای خدا و دوستی متقابل با دیگران است. در این رابطه از امام محمدباقر (علیه‌السلام) روایت شده که فرمود: «اگر خواسته باشی بدانی که خیری در تو وجود دارد به قلب خود نگاه کن و بین اگر اهل طاعت خداوند عزوجل را دوست می‌دارد و با معصیت‌کارانش دشمنی می‌ورزد بدان که در تو خیر هست و خداوند ترا دوست می‌دارد ولی چنانچه با اهل طاعت خداوندی دشمنی می‌ورزد و معصیت‌کارانش را دوست می‌دارد بدان که خیری در تو نیست و خداوند نیز ترا دوست نمی‌دارد و آدمی همراه با آنی است که دوست می‌دارد.»

بنابراین محبت برای خدا و دشمنی برای خدا، معیار و مقیاس دقیقی برای شناخت خلوص و پاکی دلها برای خداوند متعال است.

و برای همه اینهاست که محبت انسان به برادر دینی‌اش، نشان از محبت و دوستی او به خدا دارد؛ در زندگی آدمی چیزی برتر و بهتر از آن نیست که برای خدا دوست بدارد و برای خدا دشمنی ورزد و برای خدا ببخشد و برای خدا بازدارد و اگر چنین شد و اینها همه در دل انسان مسلمان شکل گرفت، نشانه‌ای است که توحید خالص را به قلبش می‌نشانند و دلش را برای خداوند متعال پاک و خالص می‌گردانند. از رسول خدا (صلی‌الله‌علیه و آله وسلم) آمده که فرموده است: «دوستی و محبت مؤمن نسبت به مؤمن از برترین شاخه‌های ایمان است؛ بدانید هرکس برای خدا دوست داشت و برای خدا دشمنی ورزید و برای او بخشید و برای او بازداشت، از برگزیدگان خداوند است.»

عوامل الفت و محبت:

می‌دانیم که در شخصیت مؤمن، اصل الفت و محبت نسبت به دیگران است و نفرت و کین نسبت به دیگران (جز دشمنان خدا) در شمار اخلاق مؤمن نیست و ویژگی فاسقان و نابکاران است.

امام جعفرصادق (علیه‌السلام) در روایتی، کشش قلب مؤمن نسبت به برادر مؤمنش را با دوری دل‌های فاسقان از یکدیگر مقایسه کرده می‌فرماید: «نزدیکی و الفت دل‌های نیکان در دیدار با یکدیگر حتی اگر دوستی خود را بر زبان نیاورند چون سرعت بارش آسمان بر آب‌های رودخانه‌هاست و دوری دل‌های نابکاران در دیدار با یکدیگر حتی اگر دوستی خود را بر زبان جاری کنند به دوری چارپایان از همدلی و مهرورزی با یکدیگر به رغم سر بردن در يك آخور به مدتی طولانی است.»

وقتی دل‌ها، الفت می‌گیرند و مهر و محبت به هم می‌ورزند خداوند متعال برکات و توفیق خود را نثارشان می‌سازد ولی هنگامی که تفرقه و نزاع و درگیری حکمفرما شود و بر روابط چیره گردد خداوند برکات خود را دریغ می‌دارد و تأییدات و توفیقاتش را از آنان سلب می‌کند. ای بسا در اشاره به همین نکته است که در حدیث شریفی از رسول خدا (ص) آمده است: «یدا مع الجماعة» و «الجماعة رحمة و الفرقة عذاب» (دست خدا همراه با جمع است.) و (جماعت رحمت و تفرقه عذاب است.)

اسباب محبت :

اسلام در راستاي توجه جدّي به بناي جامعه الگويي که مهر و محبت بر آن حکمروا باشد، ویژگی‌هايي را مطرح ساخته که به فراهم آوردن محبت و برخورداری از آن در صورت اعمال آنها می‌انجامد. ما خلاصه‌وار به شماری از این ویژگی‌ها اشاره می‌کنیم :

1- حُسن نیت :

نیت و خواست قلبی، تأثیر بسزایی در اعمال و رفتار آدمی دارد که خود متوجه آنها نیست. از جمله نتایج و پیامدهای آن فراهم آمدن محبت میان مردم است. از امیرمؤمنان علی (علیه‌السلام) روایت است که فرمود: «هرکس نیتش پاک شود پاداشش افزون و زندگیش سعادتمند گردد و مودّتش واجب شود.»

2- خوش گمانی به مردم :

از اخلاق والا و پسندیده آدمی، خوش‌گمانی به مردم و حمل [گفتار و کردار و رفتار] آنها بر وجه درست است ؛ این کار محبت و مهربانی بدنبال دارد ؛ از امام علی (علیه‌السلام) روایت شده که فرمود :

«هرکس به مردم خوش‌گمان شود، محبت ایشان را بدست آورد.»

3- حسن معاشرت :

خوشرفتاری و معاشرت نیکو با همراهان، محبت بدنبال دارد. از امام علی (علیه‌السلام) است که فرمود :

«خوش‌رفتاری و مصاحبت نیکو، محبت دلها را می‌افزاید» و نیز : «با حُسن معاشرت، محبت‌ها تداوم می‌یابد.»

4- خوشرویی :

به معنای روی خوش نشان دادن و برخورد خوب داشتن است و از امام علی (علیه‌السلام) روایت شده که فرمود : «خوشرویی، تورشکار محبت است.» یعنی که می‌توان با لبخند و بشاش بودن، محبت شکار کرد.

5- اخلاق نیکو :

که در واقع حالتی روانی است که کردارهای آدمی به سادگی از آن صادر می‌شود ؛ گفته شده است که اخلاق نیکو، خیر دنیا و آخرت را بدنبال دارد زیرا خیر و سعادت صاحب خود را یکجا گرد می‌آورد. در حدیث نیز آمده است : «از صفات دینداران، اخلاق نیکوست.»

6- نرمخویی با دیگران :

نرمخویی همان ملایمت و نقطه مقابل خشونت و تندخویی است. در حدیث آمده است : «نرمخویی نیمی از زندگی است.» و از امیرمؤمنان (ع) آمده که فرمود : «نرمی و گشاده‌دستی آدمی، او را برای دشمنانش نیز دوست داشتنی می‌سازد.»

7- فروتنی :

از امام رضا (علیه‌السلام) در تعریف فروتنی و تواضع آمده است : «فروتنی آنست که به مردم همان را دهی که دوست داری به تو بدهند.» و از امام علی (علیه‌السلام) روایت شده که فرمود : «سه چیز است که

محبت بدنبال مي آورد ؛ اخلاق نيكو، نرمخويي و فروتنی.»

8 - گشاده دستي :

از مهمترين عوامل جلب محبت، گشاده دستي است. از اميرمؤمنان علي (عليه السلام) آمده است : «چيزي چون گشاده دستي و نرمخويي و اخلاق نيكو، محبت را جلب نمي كند.» نيز از آنحضرت(ع) : «گشاده دستي، محبت مي آورد.»

9- اظهار محبت به مردم :

از جمله برجسته ترين عوامل كسب محبت ديگران، اظهار محبت و دوستي به ايشان است. طبيعي است هر كس نسبت به ديگران دوستي ورزد آنها نيز دوستي اش مي ورزند و خواهان او مي شوند ؛ از امام باقر (عليه السلام) نقل شده كه فرمود : عربي از بني تميم به حضور پيامبر(ص) رسيد و از ايشان خواست تا او را سفارشي كنند. آنحضرت(ص) از جمله به وي فرمودند : «مردم را دوست بدار تا ترا دوست بدارند.»

سوّم : اسلام دين برادري :

در ميان پيوندهاي متقابل مردم با يكديگر، برادري يالاترين مرتبه نزديكي و الفت است و تعبير رابطه ميان مؤمنان به برادري، خود گويايي عمق اين پيوند است.

خداوند متعال مي فرمايد : «إِنَّ مَآ أَلْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (سوره الحجرات - 10) (در حقيقت مؤمنان با هم برادرند).

و از امام جعفرصادق (عليه السلام) روايت شده است : «مؤمن برادر مؤمن و چشم و راهنماي اوست. خيانتش نمي كند، ستمش روا نمي دارد، فريبش نمي دهد و پيمانش را نمي شكند.»
پيامبراكرم (ص) نيز فرمود : «مؤمنان با يكديگر برادرند و خويشان برابر و در برابر ديگران همدست و همصدايند.»

بدين ترتيب مي توان نتيجه گرفت شالوده اي كه اصل مسؤليت اجتماعي بر آن استوار مي شود، وحدت امت است كه همچون يك پيكر : چو عضوي بدرد آورد روزگار - دگر اعضوها را نماند قرار.
افراد اين امت [امت اسلامي]، عضو يك خانواده هستند و همبستگي و همكاري و همدلي اعضاي خانواده شامل حال آنها نيز مي شود.

از امام زين العابدين (عليه السلام) روايت شده كه به "الزهري" فرمود : «اي زهري! چرا مسلمانان را به منزله خانواده خويش درنظر نمي گيري و بزرگشان را همچون پدر، كوچكشان را چون فرزند و همسالانشان را چون برادر خويش نمي انگاري؟»

اين تصور وجداني از امت، مستلزم آنست كه جامعه براساس احساس مسؤليت، همبستگي، همدلي و همياري استوار شده باشد ؛ چنين جامعه اي همبسته و يكدل و پيوسته به يكديگر است و هر كدام از اعضاي آن به

همانگونه که مسؤوليت خویش و مسؤوليت نیازهای خویش را برعهده دارند، مسؤوليت دیگران را نیز برعهده میگیرند.

انسان مسلمان با دشواریها و موانع مسؤوليتهای کار و زندگی خویش یک و تنها روبرو نمیشود؛ این مسؤوليت را همه مسلمانان با تفاق برعهده دارند. هر مسلمان مسؤول یکایک مسلمانان است و هر مسلمان با این حق را برگردن یکایک مسلمانان دارد که در برابر مسؤوليتها و مشکلات و گرفتاریهایی که با آنها روبرو میشود از آنها باری جوید و از حمایتشان برخوردار شود و البته به همان میزان مسؤوليت دیگران را نیز برعهده میگیرد.

با مراجعه به متون اسلامی مربوطه خواهیم دید که مسئله حقوق و مسؤوليتها از جمله برجستهترین مسایل در ساختار امت در شالوده و در شکلگیری آن بشمار میآید.

بنیادهای عاطفی مسؤوليت :

پیش از این دیدیم که مسؤوليت در جامعه اسلامی براساس احساس تکلیف شرعی شکل میگیرد حال آنکه در جوامع معاصر کنونی مسؤوليتها بر دوش دولت قرار میگیرد و از هرگونه مضمون روانی تهی میگردد و انسان نیز در این جوامع از احساس مسؤوليت خویش مجرّد میگردند.

ولی اسلام – همچنانکه گفتیم – در بنای جوامع، به عواطف و احساسات نقشی اساسی میبخشد و مسؤوليتپذیری فرد مسلمان را نشانه درستی کار و عدم مسؤوليتپذیری را نشان بیماری جامعه تلقی میکند.

البته مسؤوليتپذیری دولت در برابر امت نیز چیزی از بار مسؤوليت افراد نمیآید؛ پیامبر اکرم(ص) در همین راستاست که میفرماید: «همگی چوپانید و همگان مسؤول گله خویش هستید.» همچنین ایشان(ص) میفرمایند: «هرکس بشنود که کسی مسلمانان را به یاری طلبیده ولی به یاریاش نشتابد، مسلمان نیست.»

بدین ترتیب مسؤوليت یاری رسانی به مسلمان و حمایت و کمک به او در صورت نیاز به هیچ عنوان از دوش دیگر مسلمانان ساقط نمیشود و در صورتی که یکی از مسلمانان به دلیل شرایط اضطراری درخواست کمک کرد مسؤوليت یاری رسانی متوجه تمامی مسلمانان است. این حالت منحصر بفردی از مسؤوليت همگانی و عمومی در برابر امت است که در اصول فقه از آن به عنوان "واجب کفایی" یاد می شود. "واجب کفایی" شامل همه مسلمانان می گردد و تا هنگامی که یکی از مسلمانان نسبت به انجام آن اقدامی نکرده باشد بر دوش همه مسلمانان است؛ در حدیث هم آمده است: «پرستش خداوند، به چیزی بهتر از ادای حق مؤمن نیست.»

رویارویی با مشکلات و اختلافها :

اسلام با مشکلات و اختلافهایی که ممکن است میان برادران و دوستان پیش آید، به دو شیوه برخورد

می‌کند:

* پیشگیری پیش از وقوع.

* و شیوه حل اختلاف‌ها و از میان برداشتن حساسیت‌ها پس از وقوع.

1- پیشگیری :

از امام علي (عليه‌السلام) آمده است که فرمود : «هرکس برهرخطايي، برادرانش را بازخواست کند، شمار دوستانش کاهش پیدا می‌کنند.»

و نیز فرمود (ع) : «برادرت را با آنچه هست، تحمل کن و در سرزنش وي زيادروي مکن که کینه و نفرت بدنبال می‌آورد.»

ترديدي نیست که سعه صدر و گنجایش داشتن در برخورد با دوستان و برادران از مهمترین عوامل پیشگیری از مشکلات است ؛ راه درست و اصولي رویارويي با آنها نیز در چشم‌پوشي، تسامح، گذشت، بردباري و سعه صدر در برخوردها و تحمل خطاها و لغزش‌هاي ديگران است ؛ پیامبرخدا(ص) نیز فرموده است : «نيمي از مؤمن، چشم‌پوشي است.»

و از امام علي (عليه‌السلام) آمده که فرمود : «از والاترين اخلاق بزرگواران، چشم‌پوشیدن از دانسته‌هاي خویش است.»

2- شیوه درمان :

مهمترین ابزار در درمان اختلاف‌هاي میان برادران و دوستان از نظر اسلام،

آنست که دیگران براي حل اختلاف‌ها و از میان برداشتن حساسیت‌ها به میانجیگری بپردازند. در این رابطه پیامبراکرم (ص) می‌فرماید : «اصلاح ذات‌البین از عموم نماز و روزه برتر است.»

و نیز می‌فرماید(ص) : «پس از اقامه فرایض، هیچ کاری بهتر از آشتی دادن مردم با یکدیگر و میانجیگری یعنی گفته نیکو و آرزوی نیکو، نیست.»

و از مولاي متقيان علي (عليه‌السلام) در سفارش به فرزندش امام حسن (ع) آمده است : «اگر دوست و هم‌کیشتم تماسش را با تو گسست، تو پیوندت را با وي بیشتر استوار کن و چون دیدي که پیمان‌ش را با تو شکست، تو بر لطف و نزديکیت بيفزاي و گرمتر از پیش با او دم از مهر و وفاداري بزن و هرگاه دریافتي که آدمي خسیس است تو با وي از در بخشش درآي و چنانچه پی بردي که تندي و دوري می‌ورزد تو بردباري پیشه گیر و روي خوش به او بنماي بدیهاي او را بخش و پوزشهایش را بپذیر...» (نهج‌البلاغه، نامه شماره 31 به فرزندش حسن بن علي عليه‌السلام - صفحه 403 نسخه صبحي الصالح - ترجمه آقای محسن فارسي - م.)

وقتي يکي از طرفين اقدام به صلح با ديگري کند و دست آشتي دراز نمايد ولي ديگري پاسخي به آن نمی‌دهد و دست خود را پس می‌کشد، این نهایت پستي و از جمله زشت‌ترین کارهاست ؛ در این مورد امام جعفرصادق(عليه‌السلام) می‌فرماید : «ملعون است، ملعون است کسی که برادرش براي آشتی قدم پیش

می‌گذارد ولی او پاسخش نمی‌گوید.»

ما وظیفه داریم بخاطر داشته باشیم اسلام به ما آموخته که حتی دشمن خود را دوست بداریم و به بهترین روش با او گفتگو کنیم تا او را در بُعد عملی و در واقعیت خارجی، به دوستی صمیمی و یکدل تبدیل سازیم چنانکه خداوند متعال نیز در قرآن مجید می‌فرماید: «إِنَّ زَمَّامَ الْوُجُوهِ مِنْكُمْ إِنْ يَخْوَءُ» (سوره الحجرات - 10) (در حقیقت مؤمنان با هم برادرند...) سپس می‌افزاید: «وَأَصْلِحْ لِي دِينِي» (پس میان برادرانتان را سازش دهید.)

و از امام جعفر صادق (ع) آمده است: «مؤمن برادر مؤمن است، چشم و راهنمای اوست و خیانتش نمی‌کند، ستم بر او روا نمی‌دارد و فریبش نمی‌دهد و با او خلف وعده نمی‌کند.» پیامبر خدا (ص) نیز فرموده است: «هرکس به مسایل مسلمانان بی‌توجه گردد، مسلمان نیست.»

تعمیم روح برادری و محبت میان بخش‌های امت:

تردیدی نیست که هر مؤمن صادق و با ایمانی با تمام وجود آرزو می‌کند که امت و جامعه‌اش را متحد، همبسته و بدور از درگیری‌ها و نزاع‌ها و برکنار از فرقه‌گرایی‌های تنگ‌نظرانه و فاقد مهر و محبت و تسامح و مدارای اسلامی ببیند.

هیچ تردیدی نیست که همه مجاهدان آگاه و مخلصان امیدوار، آرزو دارند که جوامع امت خود را سرشار از محبت و برادری و انواع همکاری‌ها و همیاری‌ها و بسان عاملان الهی درهرجا «يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ مَفْءًا كَأَنَّهُمْ بُنِيَانٌ مَّرْمُوسٌ» (سوره صف - 4) (صف در صف چنانکه گویی بنایی ریخته شده از سرب‌اند جهاد می‌کنند.) بیابند و چشم انتظار کوشش‌ها اقدامات مرکز یا مجمعی از سویی علمای امت برای رویارویی با فتنه‌ها و ترفندهای دشمنان در این مرحله حساس هستند.

کوششی برای کاشت و پرورش روح اخوت و احیای روابط صادقانه در جوامع ما بر پایه برادری و در راه خدا و محبت برای خدا.

بنا بر این مسؤولیت شرعی همه ما پاسداری از این دین در برابر یورش‌ها و شبیخونها و دور ساختن خود و محیط و جامعه خود از تعصب‌ها و عصبیت‌ها و تکفیرها و نیز تلاش و کوشش مجدانه در گرایش‌ها و گفتمان‌ها و مقابله با منحرفان و نفوذی‌هایی است که با شعارها و اعمال توهین‌آمیز نسبت اسلام و مسلمانان و به سود مستکبران و اهداف و آماج‌های ایشان در جهت متفرق ساختن امت می‌کوشند.

همچنانکه علمای مخلص ما نیز باید نقش خود را در ترسیم اولویت‌های مرحله و روشنگری میان مردم پیرامون خود در جهت مشارکت همگان در حفظ منافع و مصلحت و وحدت امت و اولویت گفتمان‌ها، اندیشه‌ها و شیوه‌های فعالیت‌ها و گامهای مورد نیاز، ایفا نمایند.

امروزه جمهوری اسلامی ایران به رهبری مقام معظم رهبری حضرت آیه‌الله خامنه‌ای و با شخصیت مؤثری چون

دکتر محمود احمدی‌نژاد بحمدالله تعالی با تمام امکانات و توانایی‌های خود به تحکیم و تقویت این اصل – که امام خمینی (قدس سره) آنرا احیا کرد و بدان اولویت بخشید – می‌کوشد.

ایده‌ها و اندیشه‌های این امام بزرگ (قدس سره) که خود سر تا پا اسلام مجسم و سرشار از اسلام بود، همچنانکه دیدیم در حجم و اندازه اسلام – تمامی اسلام و نه یک مذهب یا گروه خاصی – بود؛ او امت را در تمامی عناصر تشکیل‌دهنده آن می‌دید و طبق دیدگاه‌های او، اهل سنت و شیعیان یک اسلام را تشکیل می‌دادند و برای دشمنانی که مترصد آنها هستند و تفاوتی میان این یا آن مسلمان قایل نیستند، هدف واحدی را تشکیل می‌دهند؛ ایشان در این باره می‌فرمایند: «آنهايي که درصدد ایجاد تفرقه میان برادران اهل سنت و شیعه برمي‌آیند به سود دشمنان اسلام عمل می‌کنند و توطئه می‌چینند و بدنبال تحقق چیرگی دشمنان اسلام بر مسلمانان هستند؛ ما باید هشیار باشیم و... و بدانیم که حکم "إِنَّ نَافِلًا لِّمَنْ يُؤْمِرُ مِنْهُمْ بِإِخْوَةٍ"، حکمی الهی است. آنها با یکدیگر برادرند و میان ایشان پیوندی جز برادری وجود ندارد و ما همه مکلفیم که همچون برادر با یکدیگر برخورد کنیم و برادران اهل سنت و شیعه نیز باید از هرگونه اختلافی بپرهیزند. امروزه اختلاف‌هایی ما تنها و تنها به سود کسانی است که نه به مذهب شیعه اعتقاد دارند و نه به مذهب حنفی و نه به هیچ فرقه دیگری...» [برگردان سخنان امام (ره) از متن ترجمه شده به عربی]. امام (قدس سره) با بینش و درک خود از اسلام بخوبی میزان اهمیت وحدت در نزدیک شدن و الفت مسلمانان به همدیگر را دریافته بود لذا در وهله نخست به عنوان مرجع تقلید و در وهله بعد به عنوان ولی امر مسلمین و رهبر آنها – در آنزمان – اقدام به صدور فتوای شرعی مربوط به حج فرمود که مفاد آن گویای حرمت اقامه نماز جماعت در اماکنی جز مکان اصلی و شرعی در نظر گرفته شده در مکه مکرمه و دیگر اماکن حج بود؛ اماکن اصلی نماز جماعت نیز چنانکه می‌دانیم بیت‌الحرام و مساجد عمومی پیرامون آنست. اگر حجاج در پی اقامه نماز جماعت باشند باید همراه با جماعت مسلمانان نماز بگذارند و پشت سر ائمه مساجد مکلف به اقامه نماز – با هر مذهبی که داشته باشند – بایستند؛ از این حکم یا فتوا این نتیجه گرفته می‌شود که اقامه نماز (جماعت) در منازل، هتل‌ها و سکونت‌گاهها [ی حجاج] حرام است. هدف اساسی حکم شرعی صادره از سوی امام خمینی (قدس سره)، نشان دادن وحدت امت اسلامی بود. امام خمینی (ره) با این فتوا، مسئله "تقریب" را از چارچوب نظری به چارچوب عملی کشاند و از ایشان که به عنوان حاکم و ولی امر مسلمین از این قدرت برخوردار بودند، جز این انتظار نمی‌رفت.

همین راه و رسم را امروز مقام معظم رهبری حضرت آیه‌الله خامنه‌ای نیز دنبال کرده و آنرا در شمار اولویت‌های خود قرار داده‌اند.

در ماه‌های اخیر نیز شاهد تأثیر و انعکاس فتوای صادره از سوی ایشان در سطح کل امت در خصوص حرمت اهانت به همسر پیامبر اکرم (ص) بانو عایشه و نیز حرمت اهانت به شخصیت‌های برجسته متعلق به برادران اهل سنت، بودیم.

بسیاری از علما و شخصیت‌های دینی در دیگر نقاط جهان و مطبوعات و رسانه‌های محلی و جهانی و سایت‌های اینترنتی نیز از آن استقبال کردند همچنانکه امت شاهد تأثیر مثبت آن بر جناب "دکتر شیخ احمد الطیب" شیخ الازهر بود که این فتوا را ستود و آنرا برخاسته از دانش درست و درک عمیق اهمیت اقدامات فتنه‌انگیزان و مفسده‌جویان و علاقه شدید به وحدت مسلمانان دانست و بر نفي تکفیر شیعیان و اعلام اینکه در نجف اشرف پشت سر ایشان به نماز خواهد ایستاد، انگشت گذارد.

سرانجام مسؤولیت دلسوزان امت :

1- از زنان و مردان دلسوز این امت انتظار می‌رود که به تکلیف شرعی در تطبیق مفهوم وحدت اسلامی به عنوان واجب عینی خود در پاسداری از اسلام و مسلمانان و اولویت بخشیدن به اینکار در حرکت‌ها و فعالیت‌های روزانه خود و از این خاستگاه که وحدت امت بیانگر یکی از مهمترین ویژگی‌های این امت است و فارغ از این وحدت نمی‌تواند مدعی هویت کامل خویش گردد، عمل کنند ؛ این وحدت باید اساس چنگ انداختن به ریسمان محکم الهی (بمثابه هر راه پاک و درستی که به خدا منتهی می‌شود) و با تأکید بر وحدت اصل، وحدت خلق و وحدت هدف و وحدت شریعت و راه و ورود جمعی به چارچوب تسلیم کامل در برابر خداوند و با کاشتن اخلاق والا و عناصر فداکاری و گذشتن از منافع تنگ‌نظرانه در راه هدف بزرگ وحدت، صورت پذیرد. و در عین حال همه معیارها و ملاک‌های تفرقه از جمله : زبان، ملیت، مذهب، طایفه و رنگ را به يك سو نهد و بر معیارهای بشری علم و تقوا و جهاد و نیز لزوم جستجوی نقاط اشتراك و بکارگیری منطق سلیم یعنی منطق گفتگوی آرام و علمی و ... انگشت گذارد.

2- برخورداری از دیدگاههای روشن در رویارویی با این کارزار و مشخص کردن دوست و دشمن و روشن‌سازی آن برای امت - اعم از جوامع اسلامی و عربی - با بهره‌گیری از تمامی ابزارهای در اختیار و....

3- احیای اعتماد به نفس در میان تمامی افراد امت و بازگرداندن روح عزت و سربلندی مسلمانان و تثبیت توکل به خداوند متعالی که به امت وعده یاری و پیروزی و عزت داده است : «إِنَّ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُذْهِبِ الْكُفْرَ أَقْدَامًا كُمْ» (سوره محمد -7) (...اگر خدا را یاری کنید یاریتان می‌کند و گامهایتان را استوار می‌سازد.)

4- علما آنچنانکه در سخنان پیامبراکرم (ص) آمده است وارثان پیامبرانند لذا آنها باید نقش حقیقی و مهم خود را بازیابند و مسؤولیت‌های شرعی خود در فراخوانی به وحدت را بر دوش گیرند. آنها سوپاپ اطمینان این امت هستند و مسؤولیت وحدت بخشیدن به امت و توجیه و رهنمونی آنها همچنان بر دوش دارند. در این راستا از پیامبراکرم (صلی‌الله‌علیه و آله وسلم) آمده است که فرمود : «علما چون ستاره‌های آسمانند که در تاریکی‌های زمین و دریا، بدانها راه می‌جویند و پنهان ماندن ستارگان ای بسا گمراهی رهروان را در پی داشته باشد.»

آنها (علما) اساس رهنموني امت و وحدت آن و پرده گرفتن از توطئه‌ها و نقشه‌ها و دسيسه‌هاي شوم استعمارند و مسؤوليت تغيير اين حالت مذهبي و فرقه‌اي به وضع طبيعي خود از طريق جستجوي عرصه‌هاي مشتركي كه همه مذاهب اسلامي براي پاي‌بندي دارند و بسيار زياد هم هستند، برعهده ايشان است.

5 - تحكيم ارزش‌هاي رحمت و محبت و برادري در جوامع ما بمثابة اساس سامان‌بخش رفتارها و از اين نظر كه در صورت حضور اين ارزش‌ها، الفت معنوي و انگ الهی نیز كه خداوند جهانيان آنرا بر دل برگزیدگان خلق خویش و بندگان پرهیزگارش می‌اندازد، حضور پیدا خواهد كرد.

اين ارزش‌ها، حیات بخش روح و روح‌بخش حياتند؛ چراغ راهنمای دنیا و گوهر دین و مسؤولیت ایمان و تعهد بشمار می‌روند.

اين ارزش‌هاي والای انساني و اسلامي نيروي محرکه‌اي است كه همچنانكه می‌بينيم در آنسوي هر فداكاري و ايثار مقدس مجاهدان بزرگ ما در سرزمين فلسطين و لبنان قرار دارد و همان نيرويي است كه توده‌هاي مقاومت در فلسطين و لبنان را به رغم تمامي ويراني‌ها و ضربات مهلك ماشين جنگي دشمن صهيونيستي، توان ايستادگي و مقاومت بخشيده است.

اين بزرگ مردان و زناني كه دلهايشان در عشق و محبت خدا و رسول و اهل بيت او (ع) شعله‌ور گرديده است بي‌محابا عرصه‌هاي فداكاري‌ها و ايثارهاي بي‌حساب را درنورديدند.

والسلام عليكم و رحمة الله و بركاته.